

افترا در قانون انگلستان

از اینجا بخوبی روشن میشود که خواه انتشار دهنده قصد افترا داشته یا نداشته باشد مسئول خواهد بود ولی علمائی که مخالف این نتیجه هستند می گویند يك نکته مهمی در این محاکمه بوده است که در اصل موضوع تأثیر کلی دارد و آن اینست که اگر چه نویسنده مقاله از وجود شخصی بنام آرتمیس جونز بی اطلاع بوده ولی مدیر مسئول روزنامه ای که مقاله را چاپ کرده این شخص را سابقاً میشناخته است و اگر قبل از درج مقاله دقت کافی کرده بود متوجه میشد که در حقیقت کسی با این نام وجود دارد پس مسئولیت روزنامه از این لحاظ است که غفلت کرده است و هر چند سوء نیتی نداشته ولی در انجام وظیفه خود یعنی مطالعه کامل مقاله قبل از درج آن سهل انگاری نموده است -

این دسته از علما میگویند اگر کسی که موضوع افترا آمیزی را انتشار داده نه سوء نیت داشته نه غفلتی کرده باشد مسئول نخواهد بود لکن دعوی دیگری در سنه ۱۹۲۹ مطرح شد که نتیجه آن با نظریه مزبور وفق نمی دهد بلکه مؤید اصل مذکور در فوق است و آن اینست که روزنامه ای بخواهش يك نفر عکس او را با خانمی چاپ کرد وزیر آن بدستور او نوشت :

« عکس آقای فلان و خانم فلان است که بتازگی نامزد شده اند » .

مدیر روزنامه راجع به این دو نفر هیچ اطلاعی نداشت و بهیچوجه نظر خصومتی در بین نبود ولی پس از انتشار روزنامه معلوم شد خانمی که در عکس بوده مدتی است عیال آقای مزبور میباشد و این خانم بعنوان اینکه عبارت زیر عکس چنین میرساند که مشارالیها زن شخص مزبور نبوده و لهذا مردمی که میدانستند آنها باهم بوده اند تصور خواهند کرد که

معاشرت مشارالیها با آن شخص منافی با اخلاق حسنه بوده است بر علیه مدیر روزنامه اقامه دعوی نمود و ثابت گردید که عده ای از دوستان این خانم همین استنباط را نموده بودند لهذا دادگاه بدایت و استیناف هر دو رأی دادند که ارکان افترا ثابت گردیده و مدیر روزنامه با اینکه نه سوء نیتی داشته و نه غفلتی کرده است باید از عهده خسارت خانم برآید .

پس معلوم میشود که سوء نیت و غفلت از ارکان افترا نیست و همچنین وقتی طرف حسن نیت خود را نتواند پایه دفاع قرار دهد بطریق اولی بعنوان اشتباه هم دفاعی نخواهد داشت مثلاً اگر روزنامه ای اسم يك تجارخانه را در عوض اینکه زیر ستون « آگهی مجمع عمومی » درج کند اشتباهاً زیر ستون تجار و رشکسته طبع نماید مسئول خواهد بود و دفاع اشتباه از او پذیرفته نخواهد شد .

لازم نیست افترا متوجه يك فرد مخصوص باشد بلکه ممکن است متوجه جمعی باشد مانند اینکه کسی بشركاء يك تجارخانه یا مستخدمین شخص معینی نسبتی بدهد در این صورت هر يك از شركاء یا مستخدمین میتواند جدا گانه از مفتری مطالبه خسارت نماید ولی وسعت جامعه ای که مورد حمله واقع شده است باید مورد توجه قرار گیرد و اگر بهیئت یا جمعیت بسیار بزرگی نسبتی داده شود (مثل اینکه کسی بگوید جامعه بشری فاسد است یا اینکه اطباء قابل اعتماد نیستند) کسی نمیتواند بعنوان اینکه یکی از افراد بشر یا جامعه اطباء است مطالبه خسارت نماید .

همچنین اگر کسی موضوعی را به یکی از چند نفر نسبت دهد ولی شخص معینی را تصریح نکند (مانند اینکه بگوید یکی از پنج نفر نامبرده مال مرا دزدیده اند ولی نمیدانم کدام يك از آنها است) هر يك از اشخاص نامبرده

حق اقامه دعوی دارد ولی اینجا هم اگر هیئت یا جامعه وسیعی ذکر شود بطوری که موضوع عادتاً نسبت باقراد معینی صدق نماید (مانند اینکه کسی بگوید کتاب مرا یکی از معلمین شهر لندن دزدیده است) افراد آن هیئت یا جامعه حق اقامه دعوی نخواهند داشت.

تعبیر موضوع های افترا آمیز

این مسئله که آیا موضوع مورد بحث افترا آمیز هست یا نه و آیا تعبیری که شاکی از بیانات یا حرکات طرف نموده عاقلانه است یا نه بسته به نظر ژوری میباشد نه قاضی ولی قاضی در اینجا دخالت مهمی دارد یعنی پس از شنیدن شکایت باید اول مشارالیه قانع شود که تعبیری که شاکی کرده است محتمل بوده مخالف عقل و منطق نیست زیرا اگر بطلان تعبیر مزبور در نظر قاضی آشکار باشد اصولاً از مراجعه به ژوری خودداری خواهد کرد ولی هرگاه تعبیر را ظاهر محتمل بداند امر را به ژوری مراجعه خواهد نمود و این هیئت باید تشخیص دهد که آیا در حقیقت لغمه ای بحسن شهرت شاکی وارد آمده است یا نه.

اشاره و کنایه

ممکن است عبارت یا حرکتی که ظاهراً زشت و موهن بنظر آید در حقیقت مبنی بر افترا نباشد بلکه از نوع بذاه و شوخی باشد مانند اینکه معروف است خانمی در يك مهمانی بشخص محترمی گفته است «آقای فلان شما دزد هستید» و پس از اندکی تأمل علاوه نموده است «زیرا دل مرا ربوده اید» - بالعکس ممکن است عبارات و حرکاتی که ظاهراً خوب و بی عیب بنظر میرسد در حقیقت موهن باشد مثل اینکه کسی بوسیله عبارات ظاهراً تمجید آمیز دیگری را هجو یا استهزاء کند.

اگر ظاهر عبارت موهن باشد اثبات اینکه موضوع در حقیقت مبنی بر افترا نیست برعهده متهم است و بالعکس اگر ظاهر عبارت موهن نباشد اثبات اینکه نیت افترا در بین بوده باشاکی خواهد بود.

وقتی ظاهر عبارت بی عیب باشد شاکی باید معنای افترا آمیزی را که از آن استنباط نموده تصریح کند و این معنی را اشاره یا کنایه گویند - مثلاً در سنه ۱۹۳۱ يك

شرکت شکولات فروشی تصویر یکی از ورزشکاران معروف را کشیده بر روزنامه ای داد که طبع نماید و در تصویر مزبور يك جعبه از شکلاتهای شرکت مزبور دیده میشد که از جیب ورزشکار آویزان است و در زیر آن کلماتی مبنی بر تمجید از شکلات شرکت درج شده بود ورزشکار بعنوان اینکه خواننده روزنامه تصور خواهد کرد که شرکت با پولی داده و در مقابل از شهرت او استفاده اعلانی کرده است اقامه دعوی نموده از شرکت خسارت گرفت - در اینجا ظاهر تصور بی عیب بود و لهذا برعهده شاکی بود که استنباط خود را تصریح و اثبات نماید شاکی نمیتواند تعبیر افترا آمیزی را که در ابتدا به عبارت مورد بحث نسبت داده در ضمن محاکمه تغییر دهد و بجای آن معنای دیگری قائل شود بلکه مجبور است شکایت خود را بهمان تعبیر اول محدود نماید.

هرگاه ظاهر عبارت موهن باشد ادعای کنایه و اشاره نسبت به آن لزومی ندارد و اگر شاکی چنین ادعایی نموده ولی نتواند آنرا ثابت کند خللی بحق دعوی او وارد نمیشود زیرا میتواند بظاهر عبارت رجوع کند.

در تعبیر عبارت مورد شکایت همیشه باید معنایی را در نظر گرفت که يك شنونده یا خواننده عاقل عادی از آن استنباط مینماید نه معنایی که انتشار دهنده خود در نظر داشته است پس ممکن است عبارتی که انتشار دهنده از آن هیچ قصد افترائی نداشته در حقیقت افترا آمیز باشد و بالعکس عبارتی که انتشار دهنده از آن قصد افترا داشته در واقع موهن نباشد زیرا همیشه فهم و استنباط عاقلانه اشخاصی که موضوع را خواننده یا شنیده اند شرط و میزان خواهد بود.

اینک دوباره باین نتیجه میرسیم که اگر کسی مطلبی را که ظاهراً افترا آمیز نیست و از آن هیچ قصد افترائی نداشته انتشار دهد و سایرین در نتیجه اطلاعات مخصوصی که داشته اند از مطلب مزبور استنباط افترائی بکنند انتشار دهنده مسئول خواهد بود چنانچه در بالا ذکر شد این قاعده در سنه ۱۹۲۹ از طرف دادگاه استیناف تأیید شد ولی بعضی نویسندگان عقیده دارند که نظریه مزبور معقول نیست و اگر موضوع در مجلس اعیان (بمنزله تمیز) مطرح شود رأی دادگاه استیناف نقض خواهد شد تا تمام - فتاوی روحانی